

مؤلفه‌های اقتصادی تأثیرگذار در روابط خارجی حکومت‌های قراقویونلو و آق‌قویونلو

ولی دین‌پرست^۱
مسعود شهبازی^۲

چکیده

قراقویونلوها و آق‌قویونلوها در دوران شکل‌گیری حکومت همواره در پی آن بودند تا روابط خود را با دولت‌های همجوار به گونه‌ای تنظیم و اجرا نمایند تا بتوانند نیازهای خود را در زمینه‌های مختلف از جمله نیازهای اقتصادی تأمین کنند. چراکه افزایش جمعیت و دام‌ها نیاز به سرزمین و منابع درآمد مالی بیشتری را طلب می‌کرد، فرمان‌روایان هر دو حکومت تلاش می‌کردند بخشی از نیازهای مالی و اقتصادی خود را از منابع خارج از قلمرو حکومتی در تعامل و یا تعارض با دولت‌های همجوار تأمین کنند. بررسی نحوه تأمین این نیازهای اقتصادی و تأثیر آن در روابط خارجی حکومت‌های قراقویونلو و آق‌قویونلو مسئله این پژوهش است. اینکه نیازهای اقتصادی چه تأثیری در روابط قراقویونلوها و آق‌قویونلوها با دولت‌های همجوار داشت، سؤال این پژوهش است. یافته‌های پژوهش، با رویکرد توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر منابع دست‌اول نشان می‌دهد حاکمان قراقویونلوها و آق‌قویونلوها در دوران شکل‌گیری همواره تلاش می‌کردند از طریق تبعیت از قدرت‌های برتر و یا با تهاجم و غارت و اخذ باج و خراج و توسعه قلمرو ارضی و سلطه بر راه‌های تجاری و اخذ عواید حاصل از تجارت نیازهای مالی و اقتصادی خود را تأمین نمایند.

کلیدواژه‌ها: مؤلفه‌های اقتصادی، قراقویونلوها، آق‌قویونلوها، روابط خارجی.

Economic Components Affecting the Foreign Relations of Qara Qoyunlu and Aq-qoyunlu Governments

Vali Dinparast¹

Masoud Shahbazi²

Abstract

During the government formation, Qara Qoyunlu and Aq-qoyunlu always sought to manage and implement their relations with neighboring governments in such a way that they could meet their needs in various fields, including economic needs. Since the population increase and a large number of animals needed many financial sources and territory, the rulers of both governments tried to achieve some financial needs through resources outside their territories by collaboration or conflict with neighboring governments. The problem of this research is to study the way of meeting the economic needs and its impact on the foreign relations of the Qara Qoyunlu and Aq-qoyunlu governments. The research question is what effect did the economic needs have on the relations between Qara Qoyunlu and Aq-qoyunlu with the neighboring governments? The findings of the research, with a descriptive and analytical approach and relying on first-hand sources, show that, during the government formation, the rulers of both Qara Qoyunlu and Aq-qoyunlu met their financial and economic needs by obeying the superior powers, invading, looting, extortion, the development of their territories, ruling the trade routes, and earning the business interest.

Keywords: Economic factors, Qara Qoyunlu, Aq-qoyunlu, External relations.

1. Associate Professor, University of Tabriz, Iran (corresponding author)

vali_dinparast@yahoo.com

2. Ph.D Candidate in history of Iran after Islam, University of Tabriz, Iran

sehbazimesud@gmail.com

مقدمه

در روند شکل‌گیری هر حکومتی، تأمین خواست‌ها و نیازهای امنیتی، سیاسی، اقتصادی مدنظر بنیان‌گذاران آن حکومت قرار می‌گیرد، از میان این نیازها عوامل اقتصادی از اولویت بیشتری برخوردار است. در هر دوره‌ای از تاریخ، حکومت‌ها بر آن بوده‌اند تا سیاست خارجی خود را به گونه‌ای تنظیم و اجرا نمایند که بتوانند نیازها و خواست‌های خود را در هریک از ابعاد مذکور تأمین کنند. نیازهای اقتصادی از مهم‌ترین نیازها است که نقش اساسی در شکل‌دهی به زندگی انسان از گذشته تا حال داشته است. انسان‌ها و نهادهای بر ساخته اجتماعی و سیاسی وی همواره برای تأمین آن نیازها مجبور به برقراری ارتباط با دیگر انسان‌ها و جوامع بوده است. این ارتباط به دو شکل صلح‌جویانه و یا خشونت‌بار نمود می‌یافت. در طول تاریخ تعامل جوامع با جهان خارجی همواره تحت تأثیر نیاز اقتصادی بوده است، چراکه حکومت‌ها برای اداره قلمرو، حفظ قدرت و تأمین هزینه‌های خود، همواره نیازمند منابع درآمدی بودند. چگونگی تأمین نیازهای اقتصادی جوامع یکی از اولویت‌های اساسی هر حکومتی بوده است. بر این اساس اقتصاد یکی از مؤلفه‌های مهم حکومت‌های ترکمان قراقویونلو و آق‌قویونلو در بعد روابط آن‌ها با دولت‌های همجوار بوده است.^۱ با توجه به اینکه همواره بر تعداد احشام و نیروی انسانی قبایل قراقویونلو و آق‌قویونلو افزوده می‌شد، تأمین چراگاه و نیازهای مالی برای حفظ و بقای زندگی اقتصادی این دامپروران کوچ‌نشین ضروری بود. بررسی نحوه تأمین نیازهای اقتصادی از سوی حاکمان قراقویونلو و آق‌قویونلو در دوران شکل‌گیری از طریق تعامل و یا ستیز با دولت‌های همجوار مسئله این پژوهش است. نیازهای اقتصادی چه تأثیری در روابط دو حکومت قراقویونلوها و آق‌قویونلوها با دولت‌های همسایه در دوره شکل‌گیری داشت؟ فرمان‌روایان قراقویونلو و آق‌قویونلو به چه شیوه‌هایی نیازهای اقتصادی خود را برطرف می‌ساختند؟ سؤالات این پژوهش است؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که حاکمان قراقویونلو و آق‌قویونلو گاهی با تبعیت و اطاعت از قدرت‌های همجوار، گاهی با تهاجم و تصرف سرزمینی و اخذ باج و خراج یا غارت آن

۱. البته به غیر از مؤلفه‌های اقتصادی، مؤلفه‌های سیاسی و مؤلفه‌های فرهنگی نیز از دیگر عوامل تأثیرگذار در سیاست خارجی ترکمانان قراقویونلو و آق‌قویونلوها در دوران شکل‌گیری بوده است که جا دارد در این موضوعات نیز پژوهش جداگانه‌ای صورت پذیرد.

مناطق تلاش می‌کردند نیازهای مالی و اقتصادی خود را تأمین کنند.

اطلاعات اندکی در منابع در مورد مسائل اقتصادی و به‌خصوص چگونگی تأثیر آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های روابط قراقویونلوها و آق‌قویونلوها با دولت‌های همسایه وجود دارد. مطالعه وقایع نگاری‌ها و سایر منابع تاریخی این دوره، تقریباً به‌ندرت مطالب ارزشمندی در این باره ارائه می‌دهند. از خلال گزارش‌هایی که بر اردوکنشی‌های مکرر نظامی، کامیابی‌های امیران و عزل و نصب‌های سیاسی تمرکز دارند، می‌توان مطالبی را درباره تأثیر مؤلفه‌های اقتصادی در روابط خارجی به دست آورد. عمده‌ترین منابعی که می‌توانند یاری‌گر ما در این خصوص باشند سفرنامه‌ها، نظیر سفرنامه شلیت برگر، سفرنامه کلاویخو، سفرنامه ونیزیان در ایران، نامه‌های سلاطین ترکمن به دولت‌های دیگر و... برخی از نامه‌ها، فرامین و اسنادی هستند که از خود حکومت‌های قراقویونلو و آق‌قویونلو و همچنین حکومت عثمانی و تعدادی از حکومت‌های اروپایی برجای مانده‌اند، می‌توان با مراجعه به آن‌ها تأثیر عوامل اقتصادی در روابط خارجی ترکمانان قراقویونلو و آق‌قویونلو را مشخص کرد.

درخصوص موضوع پژوهش حاضر مقاله و یا کتابی مستقل نوشته نشده است. احمد برجلو و مهدی سنگ‌سفیدی در مقاله‌ای تحت عنوان «تجارت در دوره آق‌قویونلوها» به بررسی تجارت در شهرهای قلمرو آق‌قویونلوها از جمله در خرپوت، ارغانی، ماردین، تبریز و ... در دوران اقتدار پرداخته‌اند. در این پژوهش درخصوص تجارت خارجی آق‌قویونلوها در دوره شکل‌گیری با دولت‌های همجوار مطالبی وجود ندارد. هدی حسین‌زاده در مقاله «روابط ایران و هند در دوره سلطنت حسن بیگ و سلطان یعقوب آق‌قویونلو» بیشتر روابط سیاسی و فرهنگی بین ایران و هند و تجارت هرمز و خلیج فارس در دوره اقتدار آق‌قویونلوها مورد بحث قرار گرفته است. ولی دین‌پرست در مقاله «تجارت خارجی تبریز در دوره آق‌قویونلوها» به بررسی مناسبات تجاری آق‌قویونلوها از دوره حسن بیگ با عثمانی، اروپا پرداخته و در این پژوهش نیز درخصوص تجارت آق‌قویونلوها در دوره شکل‌گیری با دولت‌های همجوار مطالبی وجود ندارد. علی ططری در مقاله «بررسی روابط ایران و اروپا در دوره ترکمانان آق‌قویونلو» روابط آق‌قویونلوها با امپراطوری طرابوزان و جمهوری‌های ونیز و جنوا در دوره اقتدار را بررسی نموده است. رضا طاهرخانی و محمد سپهری در مقاله‌ای تحت عنوان

«تحولات اقتصادی (ارضی) در دوره آق‌قویونلوها»، به بحث درخصوص اصلاحات ارضی در دوره اوزون حسن آق‌قویونلوها و قانون نامه‌های این دوره پرداخته‌اند. زهرا امیرکافی کنگی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان «جایگاه تجاری ایران در تجارت جهانی از زوال آق‌قویونلوها تا پایان صفویه» تجارت آق‌قویونلوها از دوره حسن بیگ به بعد را بررسی نموده است. هیچ‌کدام از پژوهش‌ها به مؤلفه‌های اقتصادی تأثیرگذار در سیاست خارجی آق‌قویونلوها در دوره شکل‌گیری اشاره نکرده‌اند. عمده بحث‌های این آثار پژوهشی مربوط به روابط تجاری و فرهنگی آق‌قویونلوها با دولت‌های دیگر از دوره حسن بیگ (دوره اقتدار) به بعد بوده است. با توجه به اینکه هر دو حکومت قراقویونلو و آق‌قویونلو در قرن نهم هجری به دنبال توسعه قلمرو ارضی خود بوده‌اند، عواملی متعددی در این سیاست آن‌ها تأثیر داشته، یکی از این عوامل، نیازهای اقتصادی بوده است. لذا بررسی این نیازهای تأثیرگذار در سیاست خارجی قراقویونلوها و آق‌قویونلوها ضرورت انجام این پژوهش را فراهم نموده است.

دولت‌های همجوار قراقویونلوها و آق‌قویونلوها

در دوره شکل‌گیری حکومت‌های قراقویونلو و آق‌قویونلو، حکومت آل جلایر در شرق این دو حکومت در عراق و آذربایجان حاکمیت داشت تا اینکه تیمور (حک ۷۷۱-۸۰۷ق) در طی سال‌های ۷۸۸-۷۹۰ق در پی توسعه‌طلبی‌های خود با تصرف قلمرو آل جلایر، وارد آناتولی شده و با قراقویونلوها و آق‌قویونلوها روبرو شد. در غرب متصرفات این دو حکومت، قاضی برهان‌الدین در سیواس، امیر طهرتن در ارزنجان، امیرنشین قرامان به مرکزیت قونیه و حکومت عثمانی قرار داشتند. امپراطوری طرابوزان در شمال قلمرو حکومتی قراقویونلوها و آق‌قویونلوها مستقر بوده و در جنوب قلمرو آق‌قویونلوها، در حدود منطقه شام و جزیره دولت ممالیک حاکمیت داشت (هینتس، ۱۳۷۷: ۲۲۶).

نیاز به چراگاه و مراتع

قراقویونلوها و آق‌قویونلوها، اتحادیه‌ای از قبایل کوچ‌رو و کوچ‌نشین بوده‌اند که ضروریات زمان آن‌ها را به سمت ایجاد حکومت سوق داد. از آنجاکه حیات اقتصادی کوچ‌نشینان کاملاً وابسته به دام است، لذا مهم‌ترین عامل در کوچ آن‌ها یافتن علوفه مناسب جهت تعلیق

دام‌هایشان می‌باشد (مارکس، ۱۳۹۹: ۳۷). با توجه به منشأ و نوع زندگی قراقویونلوها و آق‌قویونلوها، اقتصادشان مبتنی بر اقتصاد شبانی بود. اقتصادی که برای ادامه حیات نیاز مبرمی به یافتن و در دست گرفتن سرزمین‌های جدید داشت تا بتواند نیازهای ضروری قبایل اتحادیه از جمله چراگاه‌های بیشتر را برآورده سازد (بیتس و پلاگ، ۱۳۷۵: ۲۵۳). در واقع یافتن چراگاه‌های جدید، ضامن حفظ حیات سیاسی و اقتصادی اتحادیه بود. این نیاز نیز به خودی خود در روابط این کوچ‌نشینان با دیگر همسایگان‌شان عامل تأثیرگذاری به شمار می‌رفت. دو اتحادیه مذکور در دوره‌ای زندگی می‌کردند که بر اثر حمله مغولان، قبایل کوچ‌نشین بسیاری در آذربایجان و آناتولی زندگی می‌کردند. حتی تشکیل حکومت از سوی ترکمانان باعث نگردید تا آن‌ها از زندگی کوچ‌نشینی خود دست بردارند. بنابر مشاهدات یکی از سفیران ونیزی در دوره حسن بیگ (حک ۸۵۷-۸۸۲ ق)، ترکمانان همچنان به این نوع زندگی خود پایبند بودند. این سفیر ونیزی می‌نویسد: «در طی سفر در جاهایی که نام بردم عده فراوانی از ترکمانان را با خانواده‌هایشان دیدیم که در طلب چراگاه‌های تازه کوچ می‌کردند. رسم آن مردم این است که هر جا که علف فراوان باشد چادر زنند و چون گیاهی در زمین نماند در جستجوی مرتعی دیگر برآیند» (سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ۱۳۸۱: ۱۴۶). هر کدام از این قبایل نیز می‌کوشیدند تا در تقابل و تعارض با دیگر قبایل، چراگاه‌ها و مراتع بهتر و وسیع‌تری را به دست آورند (شیلت برگر، ۱۳۹۶: ۵۴). از این‌رو هریک از ایلات با در نظر گرفتن سایر شرایط خود در پی آن بودند تا با در پیش گرفتن راهبردی مناسب در برخورد با دیگران، مهم‌ترین نیاز خود را برآورده سازند. راهبرد انتخابی سران قراقویونلو و آق‌قویونلو، توسعه قلمرو ارضی به دو طریق بود: اول از طریق تبعیت و اطاعت از حکومت‌های قوی‌تر، دوم از طریق لشکرکشی و تهاجم. توسعه قلمرو علاوه بر آنکه سبب افزایش قدرت سیاسی و نظامی این حکومت‌ها می‌شد از لحاظ اقتصادی نیز حائز اهمیت بود. چراکه توسعه ارضی به معنای کسب مالیات و خراج جدید، تسلط بر راه‌ها و شهرهای تجاری، نیروی انسانی جدید، مراکز تجاری، معدنی و کشاورزی بود.

الف. تأمین چراگاه و مرتع از طریق تبعیت و اطاعت

تأمین اراضی برای به دست آوردن چراگاه برای اتحادیه‌های ایلی در دوره‌ای که

حکومت مرکزی وجود نداشت و حکومت‌های متعدد کوچک و بزرگ محلی در منطقه عرض اندام می‌کردند، نیازمند در پیش گرفتن سیاست خارجی فعالانه و مبتکرانه‌ای بود. از طرف دیگر هنگامی حکومت‌های یکجانشین تضعیف می‌شدند گاهی اوقات جنگجویان قبایل کوچ‌نشین را در سپاه مرزی خود ادغام می‌کردند، امری که موجب تضعیف بیشتر حکومت‌ها می‌شد و آن‌ها را در برابر تسخیر از درون توسط قبایل کوچ‌نشین می‌گشود (مارکس، ۱۳۹۹: ۳۸).

دو اتحادیه قراقویونلو و آق‌قویونلو که از زندگی ایلی و کوچ‌نشینی برآمده بودند در دوره‌ای زندگی می‌کردند که حکومت ایلخانان فرو پاشیده و مدعیان مختلفی برای به دست گرفتن حکومت در گوشه و کنار منطقه به پا خاسته بودند. در چنین شرایطی دو موضوع سبب شد تا قراقویونلوها و آق‌قویونلوها، برای کسب قدرت اقدام نمایند. از یک طرف مطرح بودن کوچ‌نشینان به عنوان یک نیروی جنگجو، حکومت‌های مستقر و مدعیان قدرت را بر آن داشت تا از قدرت جنگی قراقویونلوها و آق‌قویونلوها در راه غلبه بر دشمنان و رقیبان خود استفاده نمایند. از طرف دیگر چون قراقویونلوها و آق‌قویونلوها برای برطرف کردن نیازهای اقتصادی، امنیتی و سیاسی اتحادیه‌های خود را در گرو تعامل مناسب با این مدعیان و حکومت‌ها می‌دیدند، فرصت را غنیمت شمرده و وارد این کشمکش‌های قدرت شدند. در این راه قراقویونلوها و آق‌قویونلوها با دو نوع حکومت مواجه شدند که تعامل با هر کدام نیازمند راهبردهای متفاوتی بود؛ حکومت‌های قدرتمند و حکومت‌های ضعیف. سردمداران قراقویونلوها و آق‌قویونلوها در مقابل حکومت‌های قوی، به عنوان نیروی جنگی به خدمت آن‌ها درآمدند. بنابراین راهبرد انتخابی آن‌ها در سیاست خارجی اتحادیه خود، راهبرد اطاعت و تبعیت از حکومت‌های قوی‌تر بود. ترکمانان با در پیش گرفتن راهبرد مذکور توانستند امتیازاتی را از حکومت‌های مطبوع بگیرند که آن‌ها را قادر می‌ساخت تا اساسی‌ترین نیاز اتحادیه یعنی نیاز به چراگاه و مراتع را برطرف سازند. با در پیش گرفتن این شیوه بود که قراقویونلوها در دوره بایرام (بیرم، بیرام) خواجه (فوت ۷۸۲ق) به اطاعت سلطان اویس (حک ۷۵۷-۷۷۶ق) جلایری درآمدند و تابعیت جلایریان را پذیرفتند. گرچه منابع به طور مستقیم از تابعیت قراقویونلوها از جلایریان در این دوره سخن نمی‌گویند ولی در ذیل برخی حوادث از سران قراقویونلو به نام امیران یا غلامان جلایری یاد می‌کنند که در دفع دشمنان جلایری

به کار گرفته می‌شدند (خوافی، ۱۳۸۶: ۹۷۴/۳) از جمله در ذیل گزارش‌های مربوط به شورش خواجه مرجان حاکم بغداد علیه سلطان جلایری به سال ۷۶۵ ق/ ۱۳۶۴ م. از قرامحمد (حک ۷۸۲-۷۹۱ ق) به عنوان غلام سلطان اویس جلایری نام برده می‌شود که با کشتی‌های جنگی خود برای خواباندن شورش مذکور اقدام کرد (مستوفی قزوینی، ۱۳۹۶: ۷۵).

این گزارش‌ها تابعیت قراقویونلوها از حاکمیت جلایریان را ثابت می‌کند. در پیش گرفتن این راهبرد تأثیر بسزایی در آینده سیاسی ترکمانان قراقویونلو داشت. سران قراقویونلو با اتکا به حکومت جلایریان به عنوان عنصر قدرتمند منطقه‌ای توانستند مناطق حکمرانی خود را گسترش دهند. سنجار، موصل و ارجیش از جمله مناطقی بود که در این دوره به قراقویونلوها تعلق گرفت (قاضی غفاری، ۱۳۹۶: ۲۴۸). اما مهم‌ترین مسئله این بود که با افزایش مناطق تحت تسلط قراقویونلوها، آن‌ها توانستند چراگاه‌های وسیع‌تری به نفع قبایل اتحادیه خود به دست آورند چراکه مدتی بعد ترکمانان قراقویونلو به سرکردگی بیرام خواجه و برادرزاده‌اش قرامحمد در ارجیش و ارزروم از اطاعت سلطان حسین جلایری سرپیچی نمودند سلطان با لشکرکشی به ارجیش و محاصره بیرام خواجه آن‌ها را به اطاعت واداشت (تتوی، ۱۳۸۲: ۷/۴۷۱۳).

قراقویونلوها پس از مرگ قرایوسف به سیاست تبعیت از تیموریان روی آوردند. آنان در زمان شاهرخ تیموری، با اطاعت ابوسعید فرزند قرایوسف از شاهرخ حاکمیت بر آذربایجان را به دست آوردند (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۹۰/۲) و پس از ابوسعید، جهانشاه قراقویونلو نیز ضمن اطاعت از شاهرخ موجبات بقای قراقویونلوها در برابر دشمنی مانند آق‌قویونلوها و به دست آوردن قلمرو حکومتی وسیع از آناتولی تا آذربایجان، عراق عرب و عراق عجم را فراهم ساختند. آق‌قویونلوها از ابتدای شکل‌گیری حکومت خود با تبعیت از تیموریان موجب بقای حکومت خود و کسب قلمرو ارضی شدند. درحالی‌که قراقویونلوها پس از مرگ قرایوسف مصلحت خود را در اتخاذ چنین سیاستی یافتند.

آق‌قویونلوها با اتخاذ راهبرد تبعیت توانستند منافع اقتصادی خود را تأمین کنند. کشمکش‌ها و اختلافات خانوادگی بعد از فوت قتلوبیک، گروهی از اتحادیه آق‌قویونلوها تحت رهبری یکی از پسران قتلوبیک به نام قرایولوک عثمان (حک ۸۲۴-۷۹۲ ق) را به

اطاعت از قاضی برهان‌الدین احمد، حاکم سیواس واداشت. گروه جداشده از اتحادیه نیاز شدیدی به چراگاه‌های جدید داشتند. بنابراین اطاعت از حکومت سیواس به معنای رفع این نیاز اقتصادی بود. شیلت برگر اشاره می‌کند که قرایولوک عثمان از حاکم سیواس درخواست چراگاه برای بیلاق و قشلاق ایل خود کرده بود (شیلت‌برگر، ۱۳۹۶: ۵۴). گزارش مورخان دیگر هم زمینه این افتراق را بیان می‌کنند و درواقع مکمل گزارش شیلت برگر هستند. مؤلف کتاب دیاربکره این‌گونه روایت می‌کند که چون میان قراعثمان و برادرانش اختلاف افتاد «هوای خروج از فضای مضیق ولایات ایشان در سر افتاد و شوق اتصال با قاضی برهان‌الدین و انقطاع از برادران در ضمیر او فروزان گشت که دعوای امارت برهان ثابت و واضح گرداند» بنابراین به سیواس و نزد قاضی برهان‌الدین رفت (طهرانی، ۱۹۹۳: ۴۰/۲-۳۹). مورخ دربار سیواس هم در این باره با اشاره به اختلاف میان برادران قرایولوک عثمان می‌گوید که در جنگ بین احمد بک و سلطان، قرایولوک عثمان به قاضی برهان‌الدین پیوست و ملازم او شد (استرآبادی، ۱۳۰۷: ۳۴۷). با اعلام تبعیت این دسته از آق‌قویونلوها از قاضی برهان‌الدین، چراگاه‌های جدید در اختیار آق‌قویونلوها قرار گرفت (استرآبادی، ۱۳۰۷: ۵۳۴؛ طهرانی، ۱۹۹۳: ۴۰/۲-۳۹؛ شیلت برگر، ۱۳۹۶: ۵۴) رویدادهای پیش رو حاکی از آن است که رهبران آق‌قویونلو به‌خوبی به اساسی‌ترین نیازهای اقتصادی اتحادیه خود واقف بودند و با در پیش گرفتن روابط متناسب با حاکم سیواس درصدد رفع آن برمی‌آمدند. آق‌قویونلوها یک بار دیگر از راهبرد تبعیت در زمان تیمور و حتی جانشینانش استفاده کردند و توانستند نیاز چراگاهی و مرتعی خود را مرتفع کنند. مدت‌زمانی بعد از آنکه آق‌قویونلوها به رهبری قراعثمان، بر قاضی برهان‌الدین غلبه یافتند و سیواس و مناطق اطراف آن را به کنترل خود درآوردند، حکومت عثمانی به آق‌قویونلوها حمله کرد و توانست سیواس را تصرف کند.

قراولوک عثمان که اراضی وسیع و به‌تبع آن مناطق چراگاهی و بخش بزرگی از منبع درآمدی اتحادیه خود را از دست داده بود و در خود یارای مقابله با عثمانی را نمی‌دید، دریافت که اطاعت از تیمور به معنای فرصتی برای به دست آوردن اراضی سابق و بلکه اراضی برای اتحادیه خود است. با در نظر گرفتن چنین شرایطی بود که رو به‌سوی دربار تیمور آورد و تبعیت حکومت وی را پذیرفت (شیلت برگر، ۱۳۹۶: ۵۶؛ حافظ ابرو، ۱۳۹۵: ۲/۸۷۷؛ منصوری، ۱۳۸۷: ۴۰).

گزارش ابن عربشاه در این باره چنین است: «قرايولوك را ياراي برابري و همآوردی نمانده. شبانگاه بر ایشان بگذشت و به‌سوی تیمور که در آن زمان دریای سپاهش در آذربایجان موج همی‌زد، روان شد. چون بدو رسید، دستش ببوسید و بدان‌سان که ایدکو وی را به قصد ممالک دشت برانگیخت، مر او را به‌سوی بلاد سیواس خواند» (ابن عربشاه، ۱۳۸۶: ۱۳۶). بدین ترتیب آق‌قویونلوها به‌عنوان بازوی نظامی تیمور در آناتولی در آمدند. آن‌ها بعد از آن همواره در لشکرکشی‌های تیمور در آناتولی و سرزمین‌های همسایه شرکت می‌جستند. وقایع بعدی نشان می‌دهد که این نوع دوراندیشی در روابط آق‌قویونلوها با دول همسایه چه تبعات مثبتی برای آن‌ها داشت. آنچه برای آق‌قویونلوها اهمیت داشت، به دست آوردن سرزمین‌های جدید و تأمین چراگاه‌های مورداحتیاج اتحادیه بود چراکه تیمور به‌واسطه این تابعیت سرزمین‌های جدیدی را در اختیار آق‌قویونلوها قرار داد (شهبازی، ۱۴۰۱: ۵۳). چنان‌که تیمور پس تصرف ملطیه حکومت این شهر را به قرايولوك عثمان واگذار نمود (یزدی، ۱۳۸۷: ۱۰۳۹/۲؛ سمرقندی، ۱۳۸۳: ۸۳۹/۲). پس از جنگ آنقوره نیز حکومت دیار بکر را به آق‌قویونلوها واگذار کرد. در زمان حکومت شاهرخ نیز قرايولوك عثمان همواره مطیع تیموریان بود، او حتی از طریق عقد ازدواج دخترش با محمد جوکی، شاهزاده تیموری کوشید پیوند اطاعت خود را با تیموریان تحکیم بخشد (سمرقندی، ۱۴۵۸/۳). بدین ترتیب آق‌قویونلوها به‌واسطه تبعیت از تیمور علاوه بر آنکه توانستند اتحادیه خود را حفظ کنند بلکه حکومت جدیدی را در منطقه پی‌ریزی کردند.

ب. تأمین چراگاه و مرتع از طریق تهاجم

راهبرد دیگری که حکومت‌های ترکمان برای تأمین اراضی مورد نیاز خود برای چراگاه و مرتع به کار می‌بردند، تهاجم به سرزمین‌های همسایه بود. قراقویونلوها و آق‌قویونلوها زمانی از این راهبرد استفاده می‌کردند که قدرت تهاجمی خود را بیشتر از حکومت‌های همسایه تلقی می‌نمودند. گرچه چنین راهبردی سیاست خصمانه‌ای را به نمایش می‌گذاشت اما موفقیت حکومت‌های ترکمان در تهاجمات، باعث می‌گردید تا سرزمین‌ها، چراگاه‌های جدیدی نصیب این حکومت‌ها گردد. قراقویونلوها و آق‌قویونلوها به دو طریق از راهبرد تهاجمی استفاده می‌کردند: اول لشکرکشی تحت حمایت حکومت‌های حامی خود، دوم لشکرکشی بدون دخالت حکومت حامی.

با این نوع سیاست دو حکومت مزبور توانستند اراضی تحت تصرف خود را گسترش دهند و از این طریق نیز بر چراگاه‌های اتحادیه خود بیفزایند.

نمونه بارز این راهبرد را در تقابل قراقویونلوها با آل جلایر و آق‌قویونلوها با حکومت قاضی برهان‌الدین در سیواس می‌توان مشاهده کرد (طهرانی، ۱۹۹۳: ۵۲/۱). با توجه به اینکه حکومت قراقویونلوها از زمان قرامحمد شکل گرفت. او در سال ۷۷۹ هجری پس از شکست از لشکر سلطان حسین جلایری در قلعه ارجیش ناچار به صلح با سردار جلایری شد تا فرصت به دست آورده و از عم خود بیرام خواجه که در این زمان سرکرده قراقویونلوها بود، کمک طلبیده و مناطق اطراف ارجیش را به‌عنوان چراگاه قراقویونلوها حفظ نماید. وی با استفاده از درگیری سلطان حسین با آل مظفر موفق شد موقعیت خود را از وابستگی به آل جلایر به نیرو متحد با آنان ارتقا دهد (حافظ ابرو، ۱۳۹۵: ۵۲۶/۱-۵۲۷؛ حسن زاده، ۱۳۸۹: ۱۶).

قرا یوسف (حک ۷۹۰-۸۲۳ق)، جانشین قرامحمد در پی مرگ تیمور تلاش نمود در شرق آناتولی قراقویونلوها را به قدرت مستقل و رقیب در منطقه تبدیل کند. او برای خارج ساختن آذربایجان از چنگ عمرمیرزای تیموری، امرا و سرداران قراقویونلو را دور خود جمع نمود و به آنان وعده به دست آوردن اموال فراوان داد «هرچه حق تعالی به ما ارزانی دارد از ملک مال همه ایثار شماسست و مردانه باشید» بدین ترتیب آنان را به جنگ با تیموریان تشویق و درنهایت آذربایجان را تصرف نمود (میرخواند، ۱۳۸۰: ۱۰/۵۲۱۴). قرا یوسف سال بعد (۸۱۰ق) او در تعقیب ابوبکر میرزا، شاهزاده تیموری سلطانیه را گرفته و پس از غارت این شهر، مردم آنجا را کوچ داده و به تبریز و مراغه و اردبیل فرستاد (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۸۲/۲).

قراقویونلوها قدم‌به‌قدم با کسب اقتدار به توسعه قلمرو اراضی پرداخته، چراگاه‌های وسیعی به دست آوردند چنان‌که قرا یوسف سال ۸۱۲ هجری در اطراف قلعه انمد نزدیک ماردین قرا یولوک عثمان را شکست داده و غنایم بسیار به دست آورد، سپس قلعه مارین را تصرف نموده، سال بعد اونیک و ارزنجان در آناتولی را گرفته و حاکمانی بر آن مناطق گماشت (حافظ ابرو، ۱۳۹۵: ۳/۳۵۶-۳۶۰). او در سال ۸۱۵ هجری به‌سوی قراعثمان در «آمد» حمله

برده و مزارع آمد و جرموک در دیاربکر را به چراگاهی برای احشام قرقویونلوها تبدیل نموده و اهالی جرموک را به شرط تسلیم هزار رأس اسب امان داد (همان: ۱۷۲/۳).

آق‌قویونلوها که مدتی به‌عنوان دست‌نشانده قاضی برهان‌الدین درآمدند. به‌تدریج بر قدرت خود افزودند. تغییر در میزان قدرت آق‌قویونلوها، تغییر اساسی را در سیاست خارجی آن‌ها به وجود آورد. آق‌قویونلوها که قدرت مقابله و جنگ با حامی سابق را در خود احساس می‌کردند با در پیش گرفتن راهبرد خصمانه‌ای توانستند بر حکومت قاضی برهان‌الدین غلبه نموده و قسمتی از قلمرو این حکومت را از آن خود کنند (شیلت برگر، ۱۳۹۶: ۵۶؛ ابن عربشاه، ۱۳۸۶: ۹۶). بعد از آنکه قرايولوک عثمان، قاضی برهان‌الدین، حاکم سیواس به قتل رسانید به سیواس و ملطیه لشکر کشید این مناطق را تسخیر نمود (یزدی، ۱۳۸۷: ۱۰۲۸/۲). وی بعد از اعلام اطاعت از تیمور، سیاست تهاجمی را در مقابل همسایگان خود در پیش گرفت و توانست سرزمین‌های جدیدی را تحت تصرف خود درآورد (طهرانی، ۱۹۳۳: ۴۸/۱؛ لاری، ۱۹۹۳: ۸۰۲/۲).

افزایش منابع مالی

یکی از مؤلفه‌های اقتصادی که نقش بارزی در جهت‌گیری روابط قراقویونلوها و آق‌قویونلوها با دولت‌های همجوار داشت افزایش درآمد حکومت از طریق افزایش منابع مالی بود. لزوم تقویت بنیه مالی حکومت و همچنین تأمین مالی لشکرکشی‌ها، قراقویونلوها و آق‌قویونلوها را بر آن داشت تا از راه‌های مختلف درآمدهای خود را افزایش دهند. نیاز به افزایش درآمد حکومت نیز به شکل تهاجم نظامی و خط مشی توسعه‌طلبی ارضی در روابط آن‌ها با دول همجوار نمایان‌گر شد. بدین صورت که حکومت‌های مذکور با در پیش گرفتن خط مشی تهاجمی با استفاده از نیروی نظامی و زور، در پی عملی ساختن بخشی از اهداف اقتصادی خود بودند. آن‌ها علاوه بر آنکه می‌توانستند با تسلط بر سرزمین‌های جدید و مناطق پُرجمعیت انسانی، نیروی نظامی مورداحتیاج خود را تأمین کنند، بلکه می‌توانستند با به دست آوردن غنایم، اموال و منابع مالیاتی جدید بر ثروت خود بیفزایند. از این جهت باید افزایش منابع مالی را یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در روابط حکومت‌های قراقویونلو و آق‌قویونلو در دوره شکل‌گیری با دولت‌های همجوار دانست. این حکومت‌ها از راه‌های مختلف به تأمین منابع مالی دست می‌زدند:

الف. غارت

غارت و به دست آوردن غنیمت نقش اساسی در زندگی اقتصادی کوچ‌نشینان داشت و جزء جدایی‌ناپذیر از این نوع زندگی بود. اقتصاد غارت^۱ در بین اوغوزها نیز سابقه دیرینه‌ای داشت به طوری که در داستان‌های مختلف مربوط به اوغوز خاقان و همچنین «کتاب دده قورقود علی لسان طایفه اوغوزان» به این نوع اقتصاد اشاره شده است. (دده قورقود کیتابی، ۱۳۸۷: صفحات مختلف) گرچه در حکومت‌های قبل از قراقویونلوها و آق‌قویونلوها مانند جلایریان نیز به مسئله غارت برمی‌خوریم. چنانچه بعد از شکست شورش بیرام خواجه در سال ۷۶۷ق/۱۳۶۶م. «مجموع خانه و ایل و الوس او» به غارت سپاهیان جلایری درآمد (مستوفی قزوینی، ۱۳۹۶: ۷۹) با این تفاسیر این نوع اقتصاد در حکومت‌های قراقویونلو و آق‌قویونلو نیز تداوم یافت.

در حکومت‌های قراقویونلو و آق‌قویونلو به مانند اکثر حکومت‌ها، غارت به دو شکل انجام می‌گرفت، آنان گاهی با هدف کسب مال و غنایم به سرزمین‌ها و کاروان‌های تجارتهای حمله می‌بردند و گاهی نیز در کنار توسعه ارضی و با شکست دادن حکومت‌های دیگر سپاه شکست‌خورده و سرزمین‌های تصرف‌شده را غارت می‌کردند. به طوری که یکی از علل دشمنی تیمور با قراقویونلوها، حملات آن‌ها به کاروان‌های زیارتی و غارت اموال آن‌ها ذکر شده است (شامی، ۱۳۶۳: ۱۰۳؛ یزدی، ۱۳۸۹: ۳۰۲؛ طهرانی، ۱۹۹۳: ۵۰/۱). در نامه‌ای که امیر تیمور به بایزید سلطان عثمانی فرستاده است به این مورد چنین اشاره می‌کند «... هرچه قره یوسف است ایشان قطاع الطریقند بدزدی و راه زدن و خون بازرگانان ریختن مشغول بوده‌اند...» (فریدون بیگ، ۱۳۳۰: ۱۲۸-۱۲۹).

کمک قرا محمد و قراقویونلوها به سلطان احمد (حک ۷۸۴-۸۱۳ ق) در جنگ داخلی جلایریان را نیز می‌توان در این راستا تحلیل کرد؛ در جریان کشمکش‌های درون‌خاندانی جلایریان، سلطان احمد جلایری برای تصرف تبریز و دفع شورشیان، از قراقویونلوها کمک

۱. این اصطلاح برگرفته از مقاله «رابطه اقتصاد و سیاست الوس جغتای» است. غارت به جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی کوچ‌نشینان و به تبع آن به حکومت‌های برآمده از این نوع زندگی تبدیل شده بود (نک. هاشم صدق‌آمیز «رابطه اقتصاد و سیاست در الوس جغتای»، پژوهشنامه تاریخ، سال پنجم، شماره ۱۷، ۱۳۹۹).

خواست که این خواسته، مورد قبول قرا محمد قرار گرفت. یکی از مهم‌ترین علل پذیرش کمک به سلطان احمد از سوی قرا محمد را باید علت مالی دانست چراکه امیر قراقویونلو در مقابل پذیرش درخواست کمک سلطان جلایری، شروط چندی را برای وی مطرح کرد. بر اساس یکی از موارد این شروط غنیمت‌های به دست آمده بود که باید به قراقویونلوها تعلق می‌گرفت و در صورت نادیده گرفتن این مورد از سوی جلایریان «اگر دست به الجا^۱ دراز کنند میان ما مخالفت و منازعت خواهد شد» (حافظ ابرو، ۱۳۹۵: ۲۷۰/۳)، توجه قرامحمد و قراقویونلوها به غارت و غنیمت‌های به دست آمده در جنگ، اهمیت غارت در اقتصاد اتحادیه قراقویونلوها را به خوبی روشن می‌سازد.

پس از قرامحمد، قرایوسف نیز سیاست غارت و کسب غنیمت را جزء اهداف اقتصادی قراقویونلوها در ارتباط با دولت‌های همجوار در پیش گرفت. او پس از بازگشت از مصر به همراه ترکمانان از حدود مصر تا کناره‌های رود فرات را غارت نمود، هر چند امراء و کوتوال‌های قلاع آن حدود تلاش کردند راه را بر او ببندند اما قرایوسف بر آنان غلبه کرده و هرچه را در این مسیر می‌یافت غارت می‌کرد، او چون به شرق آناتولی رسید در اطراف دریاچه وان به غارت احشام و اموال آن حدود پرداخت (میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۲۱۳/۱۰-۵۲۱۴؛ سومر، ۱۳۶۹: ۸۲). کلاویخو گزارش می‌دهد که قرایوسف در سال ۸۰۹ هجری در راس سپاه ده هزار نفری حوالی خوی را غارت نمود (کلاویخو، ۱۳۶۵: ۳۲۳). وی همچنین از تاراج و غارت شهرها و روستاهای شرق آناتولی از جمله ارزروم و الشکرت به دست قرایوسف خبر می‌دهد (همان، ۳۲۵-۳۲۴).

قراقویونلوها با غلبه بر عمر میرزا و تصرف آذربایجان در سال ۸۰۹ هجری غنایم فراوانی به دست آوردند از جمله هزار پوستین سمور بود. ترکمانان چون ارزش این پوستین‌ها را نمی‌دانستند آن‌ها را به قیمت ارزان فروختند (میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۲۲۳/۱۰). آن‌ها در سال ۸۱۲ هجری با شکست قریولوک عثمان در ماردین غنایم بسیاری به دست آوردند (حافظ ابرو، ۱۳۹۵: ۳۵۶/۳).

۱. الجا، به معنای غنیمت، درآمد، منفعت که در منابع فارسی به صورت‌های گوناگون الجا، اولجای و اولجه به کار رفته است (شریک امین، ۱۳۵۷: ۴۵).

قرايوسف در سال ۸۱۵ هجری پس از شکست شیخ ابراهیم شیروانشاه، کنستندیل (کنستانتین) حاکم گرجستان و سید احمد حاکم شکی، شماخی را غارت نموده و غنایم فراوان به دست آورد (حافظ ابرو، ۱۳۹۵: ۴۸۶/۳؛ سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۷۲/۲).

آق‌قویونلوها نیز همواره بخشی از نیازهای اقتصادی خود را از طریق غارت و غنیمت‌های به‌دست‌آمده از جنگ برطرف می‌کردند. در دوره ریاست احمد بیگ بر اتحادیه، قراقویونلوها و امیر طهرتن با هم متحد شدند و بر آق‌قویونلوها حمله بردند. ولی آق‌قویونلوها به رهبری قراعثمان بیگ توانستند لشکر متحد را شکست داده و حتی قرايوسف را اسیر کنند. با این پیروزی، اموال و غنایم بسیاری به دست آق‌قویونلوها افتاد. قرايوسف در مقابل پرداخت یک قطار شتر از سوی قراقویونلوها، آزاد شد (طهرانی، ۱۹۹۳: ۳۷/۱)، خبری نیز در کتاب بزم و رزم آمده است که تأیید می‌کند که غارت یکی از راه‌های تأمین مالی توسط آق‌قویونلوها بوده است. بنابر این خبر، احمد بیگ که به اطاعت حکومت سیواس در آمده بود، از قاضی برهان‌الدین خواست تا به او اجازه دهد به ولایت آماسیه حمله کند زیرا در این ولایت «موضعی چند معمور است و اهالی آن عاصی و متمرد و لشکر ما ضعیف و بی‌برگ. اگر فرمان شود بر ایشان تاخت کنیم و مالی چند به دست آوریم و بر لشکر تفرقه سازیم» (استرآبادی، ۱۳۰۷: ۳۷۴) این خبر تأیید می‌کند که سران آق‌قویونلو غارت را همچون منبعی برای کسب درآمد و پرداخت حق‌الزحمه سربازان خود می‌دیدند و همواره سعی داشتند تا به آن دست زدند. همچنین مدتی بعد از این واقعه، آق‌قویونلوها به برخی از مناطق شام حمله بردند و به تاراج آنجا دست زدند و بعد از کسب غنایم برگشتند. (همان) در موردی دیگر، بعد از شکست دادن قاضی برهان‌الدین توسط قراعثمان، نیروهای آق‌قویونلو به غارت دست زدند. به گفته مورخ درباری آق‌قویونلو که از اغراق نیز دور نمی‌باشد، آن‌ها از این طریق «چندان نعمت اندوختند که زبان حساب و قلم حُساب از احاطه و احصای آن قاصر و فایق ماند» (طهرانی، ۱۹۹۳: ۴۶/۱).

گاهی مسئله غارت، حیات سیاسی اتحادیه را نیز مورد تهدید قرار می‌داد. چنانچه هنگامی که تیمور غنایم به‌دست‌آمده از جنگ با عثمانی را از طریق قلمرو آق‌قویونلو روانه کرده بود، گروهی از آق‌قویونلوها به آن کاروان حمله و آن را غارت نمودند. به تلافی این

عمل تیمور برخی از سران آق‌قویونلو را که قرا یولوک عثمان نیز در بین آن‌ها بود، برای مدتی زندانی کرد (همان، ۵۲)، این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که ترکمانان با به کارگیری ابزار غارت علیه دشمنان خود، سعی می‌کردند ضربات اقتصادی جبران‌ناپذیری بر آن‌ها وارد سازند. اما تیمور که پی برد قرا یولوک عثمان در این حملات نقشی نداشته است وی را آزاد کرد. بعد از آزادی قرا یولوک عثمان از زندان، وی سعی کرد تا اموال غارت‌شده را به تیمور بازگرداند که این عمل با مخالفت گروهی دیگر از آق‌قویونلوها مواجه شد که در نهایت به جنگ میان دو گروه انجامید (همان). بار دیگر آق‌قویونلوها بعد از وفات امیر تیمور به سال ۸۰۷ق. / ۱۴۰۵م. از غارت به عنوان یک ابزار پیش‌برنده اقتصاد و مخصوصاً سیاست خارجی استفاده کردند. آن‌ها بلافاصله بعد از دریافت خبر مرگ امیر تیمور با حمله به سرزمین‌های اطراف دست به غارت اموال ساکنان آن نواحی زدند. «چون خبر وفات صاحب‌قران گیتی‌ستان در دیاربکر به قرا عثمان رسید، حکومت آمد را به ولد خود ابراهیم بیگ تفویض نمود و به نفس نفیس با لشکر بسیار و حشم بی‌شمار علم عزیمت به طرف ماردین برافروخت و غلات و محصولات ایشان را چرانید و اموال بسیار غارت کرده متوجه قلعه سارو که به هشت فرسخی آمد واقع است توجه نمود و جبراً و قهراً قلعه را گرفته رایت استیلا برافروخت. بعضی اکراد را هر ساله مال مقرر نمود.»^۱ (روملو، ۱۳۸۹: ۱۱۷/۱). همچنین قرا یولوک عثمان بعد از لشکرکشی نخست شاهرخ به آذربایجان، به مقابله با یاغمو امیر دگر شتافت و توانست بعد از شکست وی «غنائیم و اموال بسیار به دست آورده خانه او را در حیطة تصرف» درآورد (طهرانی، ۱۹۹۳: ۹۱/۱)، البته به نظر می‌رسد حاکمان قرا قویونلو و آق‌قویونلو در این غارت‌ها همه جوانب کار را می‌سنجیدند و در مواقعی که تشخیص می‌دادند این کار به جز نفع اقتصادی، به مصالح آن‌ها نیست، از غارت اجتناب می‌کردند. چنانچه علی بیگ زمانی که از سوی پدر حاکم رها بود، اموال غارتی شامیان را از برادران گرفته و به شام برگرداند و هدف خود را برای پدر چنین توضیح داد: «چون رها به ولایت شام پیوسته و ایالت آنجا بمن تفویض فرمودید اگر لشکر مصر و شام تعرض نمایند اگر بمقابله و مقاتله قیام نمایم سر در معرض تلف خواهد بود و اگر فرار نمایم کسر ناموس است ناچار مدارا باید کرد» (همان، ۱۰۰).

۱. ابوبکر طهرانی می‌نویسد که این حوادث قبل از مرگ امیر تیمور اتفاق افتاده است (طهرانی، ۱۹۹۳: ۵۵).

یکی از سرزمین‌هایی که از جهت به دست آوردن غنایم همواره مورد توجه فرمان‌روایان دو حکومت قراقویونلوها و آق‌قویونلوها بود گرجستان است. گرجستان یکی از سرزمین‌های مسیحی‌نشین قفقاز است که همواره از دو جهت مورد توجه حکومت‌های مسلمان بوده است. مسیحی بودن گرجی‌ها و وجود حکومت‌های کوچک در این ناحیه، سیاست توسعه‌طلبی حکومت‌های مسلمان همسایه گرجی‌ها را تشدید می‌کرد. علاوه بر پیشینه‌های مذهبی در حمله حکومت‌های مسلمان به گرجستان، علت اصلی این مسئله را باید در موقعیت خاص این منطقه جستجو کرد. قرار گرفتن گرجستان در سواحل دریای سیاه و مناسبات تجاری مردم این ناحیه با حکومت‌های مسیحی دیگر و وجود منابع غنی و ثروت کلیساهای گرجی (حسن‌زاد، ۱۳۸۹: ۳۴) و قرار گرفتن این ناحیه در سر راه‌های تجاری ایران به روس و بلغار از یک سو و مسیر تجاری شمال دریای خزر و محدوده دریای سیاه به اروپا (پوریانژاد، ۱۳۹۲: ۳۷) همواره مورد توجه فرمان‌روایان قراقویونلو و آق‌قویونلو بوده است.

با توجه به این پیشینه، حکومت‌های قراقویونلو و آق‌قویونلو سرزمین گرجستان را همیشه به‌عنوان یکی از منابع تأمین ثروت در نظر می‌گرفتند و با هدف غارت در مقاطعی به آن مناطق حمله می‌بردند. ظاهراً باید قرايوسف را نخستین فرد از قراقویونلوها دانست که به جنگ با گرجیان پرداخت. گرچه این جنگ، علل سیاسی داشت ولی نگاهی به نتیجه جنگ نشان می‌دهد که باز علل و دستاوردهای اقتصادی مشوق اصلی قراقویونلوها در لشکرکشی به سرزمین گرجی‌ها بود. زمانی که شیخ ابراهیم (۷۸۳-۸۲۰ ق.) شیروان شاه در حمله سلطان احمد جلایر به تبریز، از وی حمایت کرده و پسر خود کیومرث را با سپاهی عازم نبرد با قراقویونلوها نمود. ولی کیومرث در این نبرد توسط قرايوسف به اسارت گرفته شد (روملو، ۱۳۸۹: ۱۹۷/۱)، مدتی بعد کیومرث مورد عفو قرار گرفت، از اسارت آزاد شده و به شروان برگشت. مدتی بعد شیخ ابراهیم با امیر سیدی آرلات حاکم شکی و کُنستانتین پادشاه گرجستان متحد شده و به سال ۸۱۶ ق. ۱۴۱۳ م. به جنگ با قرايوسف برخاست (همان). قرايوسف به مقابله با آن‌ها پرداخته و توانست در این جنگ بر متحدان غلبه کند و کُنستانتین گرجی و شیخ ابراهیم را به همراه تعداد زیادی به اسارت درآورد (همان). بعد از خاتمه جنگ غنایم فراوانی به دست قراقویونلوها افتاد، چراکه به گفته منابع، سپاهیان مغلوب اموال و انواع نفایس به جای گذاشتند. چنانچه میدان جنگ پر از رخوت زرین و ظروف سیمین و

خیام بود (همان). علاوه بر این، قراقویونلوها از طریق درخواست طلا، نقره و پول در مقابل آزادی شیخ ابراهیم و سایر اُسرای شیروان، منفعتهای مالی بیشتری را به دست آوردند. بعد از این غلبه بود که گرجی‌ها با قبول تبعیت از قراقویونلوها، پرداخت خراج سالیانه به آن‌ها را پذیرفتند (Paydaş, 2006:181).

بعد از قرايوسف، اسکندر میرزا (حک ۸۲۳-۸۴۱ ق) به جنگ با گرجیان پرداخت. ظاهراً در لشکرکشی‌ها قراقویونلوها به گرجیان در این دوره، علاوه بر علل مادی، باید تبعیت گرجیان از تیموریان و شاهرخ (حک ۸۰۷-۸۵۰ ق) را باید دخیل دانست. قراقویونلوها طی لشکرکشی‌های خود در سال‌های ۸۲۹ ق و ۸۳۴ ق به گرجستان توانستند غنایمی را به دست آورند (روملو، ۱۳۸۹: ۱/۳۳۴).

با روی کار آمدن جهانشاه (حک ۸۳۹-۸۷۲ ق) خط مشی تهاجمی قراقویونلوها علیه گرجی‌ها در این دوره نیز ادامه پیدا کرد. اولین حمله وی به گرجی‌ها در سال ۸۴۴ ق. / ۱۴۴۰ م رخ داد. ظاهراً جهانشاه از گرجیان خواسته بود تا از وی اطاعت کنند و به قراقویونلوها خراج بپردازند. اما این خواست حاکم قراقویونلو از سوی گرجیان مورد پذیرش قرار نگرفت. از این روی وی حمله‌ای را به سرزمین‌های گرجی انجام داده و توانست گرجیان را شکست بدهد و تفلیس را غارت کند (روملو، ۱۳۸۹: ۱/۳۸۶؛ الحسینی القزوینی، ۱۳۱۴: ۲۱۶).

سنت لشکرکشی به گرجستان در دوره آق‌قویونلوها از زمان حسن بیگ آغاز شد. برخی از پژوهشگران معتقدند که وی در طول حکمرانی خود پنج بار به سرزمین‌های گرجی لشکرکشی کرد (پوریانژاد، ۱۳۹۲: ۳۵) جنگ و لشکرکشی‌های وی علیه گرجیان نیز به مانند سایر حکمرانان سابق اسلامی به نام غزا و جهاد علیه کفار صورت می‌گرفت. ولی مهم‌ترین نتایجی که از این لشکرکشی‌ها نصیب آق‌قویونلوها شد، نتایج مالی بود. در این لشکرکشی‌ها، ثروت فراوانی نصیب آق‌قویونلوها شد.

حسن بیگ نخستین بار در سال ۸۶۰ ق. / ۱۴۵۶ م. به سرزمین گرجی‌ها حمله‌ور شد. گرچه وی هدف خود از حمله به سرزمین‌های گرجی را «نصرت اسلام و تقویت رسول صلی الله علیه و السلام» و همچنین فتح قلعه اخسختا قلمداد کرد (طهرانی، ۱۹۹۳: ۳۷۶/۲). ولی

نتیجه این جنگ نیز نشان می‌دهد که اساسی‌ترین هدف حسن بیگ، کسب غنیمت فراوان و افزایش منابع مالی خود بود. در این لشکرکشی توانست ضمن تصرف قلعه‌ها و مناطق چندی، اسیران و غنایم زیادی به دست آورد، «کافران را اسیر و ألجه ساختند و غنایم بسیار از اغنام و انعام و بهایم یافتند» (همان، ۳۷۹). حسن بیگ یکبار دیگر در سال ۸۶۷ ق. ۱۴۶۳ م. به درخواست حاکمان گرجی به سرزمین‌های گرجی حمله کرد (هینتس، ۱۳۷۷: ۱۸۱). وی در این لشکرکشی «بغنایم از نقود و اجناس و بهایم مراجعت» نمود (طهرانی، ۱۹۹۳: ۳۹۳/۲).

سومین لشکرکشی حسن بیگ به گرجستان در سال ۸۷۱ ق. ۱۴۶۶ م. رخ داد. در این لشکرکشی فرمان‌روای آق‌قویونلو توانست غنایم بسیاری از کلیساهای گرجستان به دست آورد. (روملو، ۱۳۸۹: ۳۵۳/۲-۳۵۴) اما تلاش پاپ برای ایجاد اتحادی علیه عثمانی‌ها، تغییراتی را در سیاست خارجی حسن بیگ به وجود آورد. پاپ می‌خواست اتحادی با شرکت برخی از حکومت‌های اروپایی، امپراتوری بیزانس، حکومت‌های گرجی و برخی از حکومت‌های مسلمان و از جمله آق‌قویونلوها علیه عثمانی تشکیل دهد. از این روی با اعزام سفرایی به حکومت‌های مذکور در پی تحقق بخشیدن به این هدف خود برآمد. سفرای پاپ طی مذاکراتی که با فرامانروایان این مناطق انجام دادند موفق شدند تا اتحاد ضد عثمانی را به وجود آوردند. علاوه بر تهدید حکومت‌های اروپایی از سوی عثمانی، خطر کنترل راه‌های بازرگانی و تجاری آناتولی توسط عثمانی از دیگر عواملی بود که شکل‌گیری اتحاد مذکور را ایجاب می‌کرد. آق‌قویونلوها علاوه بر اینکه در امر تجارت تحت تأثیر اقدامات و قوانین تیموریان بودند، خود نیز برای گسترش هرچه بیشتر تجارت قوانینی وضع کردند (برجلو و سنگ سفیدی، ۱۳۹۴: ۴).

حسن بیگ نیز با در نظر گرفتن تهدیدات سیاسی و اقتصادی دولت عثمانی، تغییری در سیاست خارجی خود به وجود آورد و با حکومت‌های گرجی از در دوستی درآمد. وی دریافته بود که اتحاد علیه دشمن مشترک، منافع دیرپای اقتصادی را در مقایسه با منافع آنی و زودگذر حمله به سرزمین‌های گرجی دارد. از سوی دیگر تلاش آق‌قویونلوها برای ارتباط تجاری با حکومت‌های اروپایی، از جمله ونیز از طریق امپراتوری ترابوزان و بیگ‌نشین

قرامان، از عوامل دیگر پذیرفتن این اتحاد بود (میرجعفری، ۱۳۸۱: ۲۹۳) به هرجهت، عوامل اقتصادی نقش اساسی در شکل‌گیری این اتحاد داشت. اما ظاهراً حسن بیگ پی برده بود که حضور گرجی‌ها در این اتحاد هیچ نفعی برای وی ندارد. از این‌رو برخلاف اتحاد پیش گرفته و با هدف کسب غنیمت برای تجهیز و بالا بردن روحیه نیروهایش در مقابل سلطان محمد دوم بار چهارم و در سال ۸۷۷ ق. ۱۴۷۲ م به گرجستان لشکرکشی کرد. در این لشکرکشی وی موفق شد با تصرف برخی از مناطق گرجستان، غنایم و اسرای زیادی را به دست آورد (هینتس، ۱۳۷۷: ۱۸۲-۱۸۱).

پنجمین لشکرکشی حسن بیگ در سال ۸۸۲ ق. ۱۴۷۷ م. علیه گرجی‌ها نتایج درخشانی را برای آق‌قویونلوها به بار آورد؛ برخی از مناطق گرجی به تصرف آق‌قویونلوها درآمد. اسرای زیادی گرفته شد و فرمان‌روایان گرجی متعهد شدند تا ۱۶ هزار دوکات به‌طور سالانه و به‌عنوان خراج به آق‌قویونلوها بپردازند (سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ۱۳۸۱: ۳۲۰).

ب. تجارت

تجارت از دیگر منابع مالی برای حکومت‌های قراقویونلو و آق‌قویونلو در روابط با دولت‌های همجوار بوده است. آنان می‌کوشیدند تا بر راه‌ها و بنادر تجاری در آناتولی دست یابند. با توجه به اینکه از دوره ایلخانان تبریز کانون تجارت ایران با آناتولی بود کاروان‌های تجاری کالاهای صادراتی را یا از طریق ارزروم، ارزنجان، توقات به سواحل دریای سیاه، دریای مدیترانه و دریای اژه می‌بردند و یا از طریق دریار بکر کالاهای تجاری را به حلب و یا بنادر مدیترانه حمل می‌کردند. این کاروان‌ها از قلمرو قراقویونلوها و آق‌قویونلوها عبور می‌کرد. دیار بکر از دوره آق‌قویونلوها مرکز مبادله یا ترانزیت کالاهای تجاری بوده است. ابریشم ایران از دیاربکر به مرعش، قیسریه، آنکارا، اسکی شهر و از آنجا به بورسای ارسال می‌شد (Dalsar, 1960: 128) هرچند اسناد تجاری باقی‌مانده در بورسای مربوط به دوره حسن بیگ آق‌قویونلو و جانشینان اوست (Inalcik, 1981: 1988) اما این اسناد حکایت از توجه آق‌قویونلوها به تجارت بین شرق و غرب و عواید حاصل از آن دارد. در این دوره در شهرهای دیاربکر، اورفا، ماردین، ارزنجان از ابریشم‌های وارداتی از ایران و قماش‌های

وارداتی از غرب باج گرفته می‌شد. در دوره حسن بیگ آق‌قویونلو از بابت حق عبور ابریشم ایران در شهرهای آناتولی از هر بار ابریشم دو آقچه^۱ باج گرفته می‌شد (Dalsar, 127). هر چند از دوره شکل‌گیری حکومت‌های قراقویونلو و آق‌قویونلو اسنادی باقی نمانده است. اما اسناد بورسا مربوط به نیمه دوم قرن نهم هجری نشان می‌دهد که یکی از راه‌ها کسب درآمدهای مالی این حکومت‌ها از کاروان‌های تجاری بوده است به همین خاطر فرمان‌روایان هر دو حکومت تلاش می‌کردند با توسعه‌طلبی ارضی و سلطه بر راه‌های تجاری به عواید حاصل از آن دست پیدا کنند.

اگر در نظر بگیریم که بر طبق قانون نامه‌های اوزون حسن (حسن بیگ) از کالاهای تجاری که از هر شهری عبور می‌کرد برای هر بار شتر ۱۰۰ قراجه آقچه و از هر بار اسب ۵۰ قراجه آقچه باج تمغا دریافت می‌شد (Brakan, 1943: 187). این حجم عظیم عوارض منبع درآمد مهمی برای هر دو حکومت ترکمان بوده است.

حسن بیگ پی برده بود که با کنترل بر راه‌ها و بنادر تجاری علاوه بر آنکه می‌تواند بر ثروت خود بیفزاید بلکه یکی از منابع درآمد دشمن خود یعنی عثمانی‌ها را کاهش دهد. زیرا سلطان محمد دوم با هدف به انحصار درآوردن تجارت شرق - غرب و کسب درآمد سرشار از تجارت، عوارض سنگینی را بر کاروان‌ها وضع کرده بود. بر طبق آن، کاروان‌هایی که از قلمرو آق‌قویونلوها به بورسا می‌رفتند در دو محل یعنی توقات و بورسا، عوارض گمرکی می‌پرداختند (نجفلو، ۱۳۹۰: ۱۲۳). حسن بیگ این مسئله را بُدعتی ناحق از طرف سلطان حساب کرده و تقبیح می‌کرد و یکی از علل جنگ حسن بیگ با سلطان محمد فاتح همین مسئله بوده است (همان). همان‌طور که در پیشینه پژوهش ذکر شد با توجه به اینکه در تحقیقات انجام پذیرفته به مسئله تجارت خارجی ترکمانان در دوره اقتدار مفصل پرداخته شده است و نیاز به تکرار آن نیست لذا در خصوص به دست آوردن منبع مالی از تجارت خارجی از سوی قراقویونلوها و آق‌قویونلوها به این مختصر اکتفا می‌شود.

۱. آقچه کلمه ترکی مغولی است به معنی جسم سفید کوچک، مترادف با اسپر یونانی، نوعی مسکوک نیز بوده و از دوره ترکان سلجوقی رواج داشته و بیشتر در مملکت عثمانی رواج داشت (دیانت، ۱۳۶۷).

نتیجه‌گیری

بررسی روابط دو حکومت قراقویونلو و آق‌قویونلو با دولت‌های همجوار نشان می‌دهد که آن‌ها همواره به دنبال تأمین نیازهای اقتصادی بوده‌اند. با توجه به اینکه هر دو حکومت زندگی ایلی داشتند و حتی بعد از تشکیل حکومت نیز زندگی ایلی خود را از دست نداده بودند، توجه به نیازهای اساسی و از جمله تأمین مراتع و چراگاه‌های وسیع در زمان‌های مختلف از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار اقتصادی در روابط آن‌ها با همسایگان به شمار می‌رفت. آن‌ها تحت تأثیر این عوامل در روابط خارجی خود از راهبردهای مختلفی مانند تبعیت و توسعه طلبی ارضی استفاده کردند. عامل دیگر افزایش منابع درآمدی حکومت بود. این عامل نیز در روابط قراقویونلوها و آق‌قویونلوها با دولت‌های همجوار به نحوی بارز تأثیر داشت. راهبرد تهاجم و استفاده از راه کارهای مانند غارت، توسعه ارضی با هدف افزایش منابع مالیاتی، از جمله راهبردهای مورد استفاده قراقویونلوها و آق‌قویونلوها در روابط خارجی خود بود. آن‌ها با توسعه طلبی ارضی ضمن اینکه جمعیت سرزمین‌ها متصرفی را به تبعیت خود درمی‌آوردند و از این طریق بخشی از نیروی نظامی خود را در لشکرکشی‌ها از نیروهای اعزامی از سرزمین‌ها متصرفی تأمین می‌کردند، در کنار آن، قراقویونلوها و آق‌قویونلوها از کشاورزان، تجار و پیشه‌وران این مناطق مالیات متعدد شامل باج، خراج، تمغا و... دریافت می‌کردند و در طول راه‌های تجاری نیز با دریافت مالیات راهداری بخشی از نیازهای اقتصادی خود را تأمین می‌کردند چنان‌که حسن بیگ بر سر باج دریافتی از کاروان‌های تجاری آق‌قویونلوها در توقات از سوی سلطان محمد فاتح مخالف نمود، این اختلاف و عوامل دیگر زمینه‌ساز درگیری او با سلطان عثمانی شد. افزایش درآمدهای مالی از طریق اخذ باج و خراج و انواع مالیات‌ها به نوبه خود موجب افزایش قدرت نظامی این دولت‌ها شده و این حکومت‌ها را به تدریج به عنوان قدرت‌های برتر و تأثیرگذار در منطقه تبدیل کرد چنان‌که با قدرت‌یابی آق‌قویونلوها از دوره اوزون حسن دولت‌های اروپایی به این دولت به عنوان متحدی مهم در آسیا در رقابت به عثمانی نگاه کرده و روابط سیاسی و تجاری با آق‌قویونلوها برقرار ساختند.

منابع و مأخذ

کتاب‌ها

- استرآبادی، عزیز بن اردشیر (۱۳۰۷)، *بزم و رزم*، به کوشش محمدفؤاد بگ کوپرلی‌زاده، استانبول، اوقاف مطبعه‌سی.
- ابن‌عربشاه، احمد بن محمد (۱۳۸۶)، *زندگی تسکنت‌آور تیمور*، ترجمه محمدعلی نجاتی، تهران، علمی و فرهنگی.
- بدلیسی، شرف خان (۱۳۷۷)، *شرف‌نامه*، ج ۲، به تصحیح ولادیمیر ولیامینوف، تهران، نشر اساطیر.
- بیانی، شیرین (۱۳۸۲)، *تاریخ آل جلایر*، انتشارات دانشگاه تهران.
- بیستس، دانیل و پلاگ، فرد (۱۳۹۲)، *انسان‌شناسی فرهنگی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- تتوی، قاضی احمد (آصف خان قزوینی) (۱۳۸۲)، *تاریخ الفی*، ج ۷، به تصحیح غلامرضا طباطبائی مجد، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله (۱۳۵۰)، *ذیل جامع‌التواریخ رشیدی*، به کوشش خانابا بیانی، تهران، انجمن آثار ملی.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله (۱۳۹۵)، *زبدۃ‌التواریخ*، ج ۱ و ۲، مصحح: سید کمال حاج‌سیدجوادی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسن‌زاده، اسماعیل (۱۳۸۹)، *حکومت ترکمانان قراقویونلو و آق‌قویونلو در ایران*، تهران، انتشارات سمت، چاپ چهارم.
- حسینی قزوینی، یحیی بن عبداللطیف (۱۳۱۴)، *لب‌التواریخ*، به کوشش جلال‌الدین تهرانی، نشریات مؤسسه خاور.
- خوافی، فصیح احمد بن جلال‌الدین محمد (۱۳۸۶)، *مجمعل فصیحی*، به تصحیح و تحقیق سید محسن ناجی نصرآبادی، تهران، انتشارات اساطیر.

- خنجی، فضل‌الله روزبهان (۱۳۸۲)، *تاریخ عالم‌آرای امینی*، به تصحیح محمد عشیق، تهران، میراث مکتوب.
- دیانت، ابوالحسن (۱۳۶۷)، *فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها*، تبریز، نشر نیما.
- *دده قورقود کتابی* (۱۳۸۷)، تصحیح حسین محمدخانی، تهران، انتشارات اندیشه نو.
- *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران* (۱۳۸۱)، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات خوارزمی.
- سومر، فاروق (۱۳۶۹)، *قراقونلوها*، ترجمه وهاب ولی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- سمرقندی، عبدالرزاق (۱۳۸۳)، *مطلع سعدین مجمع بحرین*، جلد دوم دفتر اول، به اهتمام عبدالحسین نوائی، تهران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شیلت برگر، یوهان (۱۳۹۶)، *سفرنامه شلیت برگر*، ترجمه ساسان طهماسی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- شامی، نظام‌الدین (۱۳۶۳)، *ظفرنامه*، به کوشش پناهی سمنانی، تهران، بامداد.
- شریک امین، شمس (۱۳۵۷)، *اصطلاحات دیوانی دوران مغول*، تهران، فرهنگستان ادب و هنر ایران.
- روملو، حسن بیگ (۱۳۸۹)، *احسن‌التواریخ*، ج ۱ و ۲، مصحح عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات اساطیر.
- طهرانی، ابوبکر (۱۹۹۳م)، *تاریخ دیاربکریه*، ج ۱ و ۲، چاپ نجاتی لوغال و فاروق سومر، آنکارا، انجمن تاریخ ترک.
- فریدون بیگ، احمدپاشا (۱۳۳۰ق)، *منشآت السلاطین*، استانبول، بی نا.
- غفاری قزوینی، قاضی احمد (۱۳۹۶)، *تاریخ جهان‌آرا*، به اهتمام عبدالکریم جریزه‌دار، تهران، انتشارات اساطیر.
- کلاویخو، روی گنزalez (۱۳۴۴)، *سفرنامه کلاویخو*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- لاری، مصلح‌الدین محمد (۱۳۹۳)، *مرآت‌الادوار و مرقات‌الخبار*، ج ۲، تصحیح سید جلیل ساغروانیان، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- مارکس، رابرت بی (۱۳۹۹)، *خاستگاه‌های جهان مدرن*، ترجمه سعید مقدم، تهران: نشر مرکز.
- مستوفی قزوینی، زین‌الدین حمدالله (۱۳۹۶)، *ذیل تاریخ گزیده*، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- میرخواند، غیاث‌الدین بن همادالدین (۱۳۸۰)، *تاریخ روضه‌الصفاء*، ج ۱۰، به تصحیح جمشید کیانفر، تهران، انتشارات اساطیر.
- میرجعفری، حسین (۱۳۸۱)، *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان*، تهران: انتشارات سمت.
- یزدی، شرف‌الدین علی (۱۳۸۷)، *ظفرنامه*، جلد ۲، به تصحیح عبدالحسین نوائی، چ ۱، تهران، مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- هینتس، والتر (۱۳۷۷)، *تشکیل دولت ملی در ایران*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ چهارم.

مقالات

- برجلو، احمد؛ سنگ سفیدی، مهدی، «تجارت در دوره آق‌قویونلوها»، *تاریخ نو*، شماره دوازدهم، پاییز ۱۳۹۴.
- پورینژاد، فرهاد، «اوزون حسن آق‌قویونلو و غزا علیه گرجیان در گیرودار کشمکش با سلطان محمد فاتح»، *تاریخ و فرهنگ*، ش ۹۰، بهار و تابستان ۱۳۹۲.
- شهبازی، مسعود، دین‌پرست، ولی، کریمی، علیرضا، پرغو، محمدعلی، «بررسی و تحلیل تحول مناسبات آق‌قویونلوها با تیموریان در دوره حکمرانی حسن بیگ»، *علمی تاریخ نامه ایران بعد از اسلام*، ش ۳۰ بهار ۱۴۰۱.
- صدق‌آمیز، هاشم، «رابطه اقتصاد و سیاست در الوس جغتای»، *پژوهشنامه تاریخ*، سال پنجم، شماره ۱۷، ۱۳۹۹.
- منصوری، علی، «واقع‌سیواس و شکل‌گیری حکومت آق‌قویونلوها»، *نشریه رشد آموزش تاریخ*، ش ۳۱، تابستان ۱۳۸۷.

منابع انگلیسی

- Barkan, ömer lütfi (1943), *xv ve xvi ince asırlardaö.Osamnlı imparatorluğunda zirai ekonominin Hukuki vr Mali esaslari*, İstanbul üniversitesi. Edebiyat fakültesi.
- Dalsar, Fahir (1960), *Bursada İpekçilik*, İstanbul universitesi yayınlarından. No 856.
- Inalcik, Halil (1981), *Belgeler, Turk Tarih Kurumu. Ankara*, cilt5, sayi 14, s9-53
- Paydaş, Kazım, (2006), *Timurlular ve türkmenlerin Şirvanşahlarla olan münasibetleri*, Tarih araştırmalar dergisi, C25S40.

